

مکت

مظنون شماره یک در داسرا خود را بی گناهی می داند

راز کشایی از یک پرونده جنایی پس از ۳۰ سال

شهروند ۲۳ آزمایش جداگانه پزشکی قانونی پرونده مرگ زن جوان را که در خانه شوهرش با ضربات چاقو به کام مرگ فرورفته در یک قدمی رمزگشایی قرار داد. در این حادثه مرزومز همسر زن و کودک ۲ ساله و نیمه‌شان با ضربات چاقو مجروح شده بودند.

ساعت ۰۶:۱۵ صبح ۲۳ اسفند ماهسال ۹۱ صدای درگیری در یکی از طبقات آپارتمان شماره ۲۴ توجه همسایه‌ها را جلب کرد. صدای دع‌وای زن و شوهر سکوت صبحگاهی ساختمان را شکسته بود. ۱۵ دقیقه صدای درگیری از داخل این واحد آپارتمانی ساکنان ساختمان را در وحشت فرو برده بود که ناگهان صدای فریاد شنیده پس از آن سکوت سنگینی بر ساختمان حکمفرما شد. چند تن از همسایه‌ها که به این موضوع شک کرده بودند با شکستن در پرده از درگیری خونین زن و شوهر ساکن این خانه برداشتند. مرد جوان درحالی که با چاقو زخمی شده روی زمین افتاده بود و پسر ۳ساله ونیمه نیز غرق در خون در رختخوابش بود. چند قدم پایین‌تر از بدن نیمه جان مرد، همسر او که از ناحیه شکم دچار خونریزی شدید شده بود قرار داشت. این صحنه هولناک کافی بود تا شاهدان حادثه، پلیس را در جریان ماجرا قرار دهند. هم‌زمان نیز اورژانس راهی محل حادثه شد تا جان این خانواده را نجات دهد. قبل از رسیدن اورژانس آمازن جوان به علت شدت خونریزی به کام مرگ فرورفت و همسر و پسر بچه برای درمان به بیمارستان منتقل شدند. این درحالی بود که تیم جنایی پایتخت برای رازگشایی از این حادثه دست به تحقیقات گسترده‌ای زده بودند.

همسر این زن که خودش زخمی شده بود درباره این حادثه به پلیس گفت: «من نیمه‌خواب بودم که ناگهان متوجه شدم همسرم بالای سرم ایستاده است. خوب که دقت کردم متوجه شدم با یک پارچه دور دسته چاقو را پوشانده و نوک آن را به سمت من نشانه رفته بود. خیلی سریع واکنش نشان دادم و خواستم چاقو را از او بگیرم که در همین چند ثانیه چند ضربه به پهلو و ران باهم زد. سرم گیج می‌رفت و درحال بی‌هوش شدن بودم که همسرم چاقو را بالا برد و چند ضربه به شکم حوهرم زد. در بیمارستان بومد که متوجه شده همسرم به کام مرگ فرورفته و پچاهم را نیز قیل از این ماجرا مورد ضربات چاقو قرار داده بود که خدا را شکر حال پسرم خوب است.» یکی از همسایه‌ها در باره درگیری این زن و شوهر به بازپرس ویژه قتل پرونده گفت: «صبح خیلی زود بود، طبق معمول باز هم صدای درگیری از خانه همسایه‌مان به گوش رسیدم این زن و شوهر از وقتی به این خانه نقل مکان کرده بودند مدام صدای دعواهایشان من گوش می‌دادم. من می‌رسید. روز حادثه هم ما صدای فریاد زن را شنیدیم و بعد ناگهان سسلکت شدند. سکوت سنگینی حکمفرما شده بود و ما به این موضوع شک کردیم که همین‌جا قتل چند تن دیگر از همسایه‌ها وارد عمل شدیم و در خانه‌شان را باز کردیم که با بدن خونین زن و شوهر و کودک‌کشان روبه‌رو شدیم.» چندروز بعد با شکایت خانواده زن جوان از دامادشان این پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. پدر دادگار به بازپرس پرونده گفت: «دخترم به قتل رسیده است. همسر او همیشه دخترم را کتک می‌زد. او مرد بدبختی بود و از مدت‌ها قبل با دخترم اختلاف ندامش. من باور ندازم دخترم با وارد کردن ضربات چاقو به خودش دست به خودکشی زده باشد. شوهرش او را به قتل رسانده

و سپس با چاقو خود و فرزندش را زخمی کرده تا خودکشی‌سازی کند.» نظریه پزشکی قانونی نشان می‌داد علت اصلی مرگ زن جوان برخورد جسم تیز به ناحیه شکم بوده است که احتمال خونریزی را به علت پراکندگی های جراحات، ضعیف تشخیص داده بودند. همین موضوع کافی بود تا شوهر مقتول به داسرا احضار شود و به خاطر اخفای عدله جرم بازداشت شد. تا این که بار دیگر پزشکی قانونی با بررسی پرونده پزشکی مرد متهم پلیس را در برابر ماجرای معمای قرار داد. در این آزمایش‌ها نیز پزشکی قانونی آثار جراحات‌های وارد شده به بدن مرد ناشی از دگرنزی اعلام کرد. با اعلام این نتیجه احتمال این که مرد برای صحنه‌سازی به خودش چاقو زده باشد در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و متهم با قید وثیقه آزاد شد. در حالی که این پرونده ۱۲سال نیم در داسرای جنایی پایتخت همچنان روی میز قاضی قرار داشت، این بار بازپرس حسین‌پور مدارک این پرونده را به کمیسیون پزشکی قانونی فرستاد تا معمای این حادثه رمزگشایی شود. این کمیسیون براساس سومیین بار نیز اعلام کرد احتمال خودزنی ضعیف است و به احتمال زیاد صدمات وارد شده به بدن این زن و شوهر ناشی از دگرنزی بوده و درگیری بوده است. با اعلام این نتیجه بازپرس پرونده همسر این زن را که همچنان مظنون شماره یک در این حادثه به شمار می‌رفت را به داسرا احضار کرد. این مرد که همچنان اصرار بر بی‌گناهی دارد مرگ همسرش را خودکشی دانسته و همچنان این ماجرا را به همان شکل که در زمان حادثه به پلیس گفته بود روایت می‌کند. با این حال به‌دلیل اسناد و مدارک موجود در پرونده بازپرس حسین‌پور دستور بازداشت این مرد را صادر کرد. تحقیقات برای روشن شدن روزهایی مبهم پرونده و رازگشایی از معمای مرگ مرزومز زن جوان ادامه دارد.

پایان بازی ۱۰ساله یک قاتل در دادگاه جنایی

شهروند |پسر جوانی که ۱۰سال پیش صاحبخانه‌اش را به قتل رساند و با یک دروغ عجیب، مسیر تحقیقات را تغییر داد، در نهایت با حکم دادگاه به‌قصاص محکوم شد.
درست ۱۰سال پیش، یعنی بیست و سوم مهرماه سال ۸۴ بود که سگ گله گوسفندان یک چوپان ماجرای پیچیده پرونده جنایتی را پیش‌روی بازپرس و پلیس جنایی قرار داد. این چوپان به همراه گوسفندان درحال عبور از تنگه بولان دماوند بود که با صدای پارس‌های سگ گله‌اش در مقابل یک باغ، متوجه شد حتما اتفاقی افتاده است. برای همین این چوپان به‌شدت به موضوع مشکوک شد و بعد از احساس کردن بوی مشمئزکننده‌ای، بلافاصله با پلیس تماس گرفت. ماموران و کارآگاهان جنایی خیلی‌زود راهی محل شدند و بعد از بررسی جسد غرق به خون یک مرد را پیدا کردند. این مرد صورتش با ضربات چاقو به‌شدت متلاشی شده بود و اصلا قابل شناسایی نبود. بنابراین جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تلاش برای ردیابی عمل جنایت آغاز شد. تیم تحقیق در نخستین گام از تجسس‌های خود به سراغ صاحب باغ رفت. صاحب این باغ به ماموران گفت که از این ماجرا هیچ اطلاعی ندارد. در حالیکه تحقیقات پلیس هنوز به جایی نرسیده بود، پسر ۱۸ساله صاحب باغ اظهارات تازه‌ای را مطرح کرد. وی به ماموران گفت که مقتول جان محمد نام

شهروند |پلیس جنایی پایتخت به دنبال رمزگشایی از هویت ۷تکه استخوان دفن شده است. ۱۰ تیرماه امسال کارگر شهرداری وقتی در حال تمیز کردن زمین در منطقه جنگلی خرگوش بود با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. یک تکه استخوان از زیر خاک بیرون زده بود. مرد کارگر که کنجکاو شده بود شروع به کندن زمین کرد تا این که ۷تکه استخوان را از دل خاک بیرون کشید. با اعلام این خبر به



پلیس بلافاصله تیم جنایی و تشخیص هویت راهی این محل شدند. بررسی هانشان می‌داد یکی از استخوان‌ها دارای پلاتین است باانتقال تکه‌های استخوان به پزشکی قاضی بستان زاده‌بازپرس شعبه دوم داسرای جنایی پایتخت رمزگشایی از این ماجرا را در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار داد. تا این که صبح دیروز نتیجه پزشکی قانونی حکایت از خبری عجیب داشت. براساس نظریه این سازمان



معمای پیدا شدن ۷تکه استخوان در خرگوش دره

استخوان‌ها متعلق به انسان نیست. این درحالی است که پلاتین داخل یکی از استخوان‌ها همچنان ماجرای معمایی را پیش‌روی پلیس قرار داده است. با این حال بازپرس پرونده با توجه به شماره سریال حک‌شده روی پلاتین دستور تحقیقات برای شناسایی محل فروش یا تولیدکننده آن را صادر کرد تا بسا حل این معما را ز ۷تکه استخوان دفن شده‌فاش شود.

دارد و اهل افغانستان است.

با اطلاعاتی که این پسر به ماموران داد، تیم تحقیق سعی کرد تا خانواده جسان محمد را پیدا کند. اما به‌دلیل عدم پیدا شدن خانواده این مرد، در حالی که حتی ردی هم از بستگان جان محمد پیدا نشده بود، جسد با دستور قضایی به‌عنوان یک جسد مجهول‌الیهو دفن شد. اما تحقیقات باز هم برای ردیابی قاتل یا قاتلان ادامه یافت. ۵سال از این ماجرا گذشت و هنوز هم کسی نمی‌دانست که جان محمد قربانی چه توطئه‌ای شده و با چه انگیزه‌ای کشته شده‌است.

درحالیکه کارآگاهان همچنان تحقیقات خود را در این باره ادامه می‌دادند، خانواده‌ای به پلیس مراجعه کردند و با صحبت‌هایشان راز چندین ساله یک جنایت را فاش کردند. زن جوان در صحبت‌های خود به ماموران گفت: «۵سال پیش شوهرم به نام محمد به همراه پسر همسایه‌مان برای معامله عتیقه‌از خانه خارج شد. او گفت که با این پسر می‌رود تا عتیقه‌ای را معامله کنند. شوهرم رفت و دیگر بازنگشت تا اینکه فردای همان روز، پسر همسایه موتور شکسته و محمد را برآیدمان آورد و گفت که شوهرم پس از درگیری با یک مرد افغانی او را کشته است. او گفت که شوهرم مجبور شده فرار کند و حالا حالاها به خانه بر نمی‌گردد. ما هم از ترس اینکه محمد گیر نیفتد، حرف‌های این پسر را باور کردیم و او را به موضوع

را از همه پنهان کردیم. اما الان ۵سال گذشته و من حتی تلفنی هم با شوهرم صحبت نکرده‌ام. در این مدت ابراهیم مرتب به ما از شوهرم خبر می‌داد و می‌گفت که حالش خوب است اما به‌خاطر ردیابی نشدن نمی‌تواند تماس بگیرد. ولی بعد از گذشت این همه‌سال من به ابراهیم مشکوک شدم و تصمیم گرفتم موضوع را با پلیس در میان بگذارم. شوهرم حتی اگر فر هم کرده باشد در این سال‌ها باید یک تماسی با من و خانواده‌اش می‌گرفت.»

با این اظهارات زن جوان به همراه خانواده شوهرش، عکس جسد‌های مجهول‌الیهو را مشاهده کردند و در نهایت راز عجیب یک جنایت فاش شد. این خانواده جسد جان محمد را به‌عنوان جسد محمد شناسایی کردند و گفتند که این جنازه متعلق به محمد است. بنابراین ورق برگشت و مسیر تحقیقات وار در مرحله‌ای تازه‌شد.

کارآگاهان که به پسر صاحب باغ مشکوک شدند او را بلافاصله دستگیر کردند و در مورد دروغی که به ماموران گفته بود او را تحت بازجویی قرار دادند. وی به همراه پسر همسایه‌مان برای معامله عتیقه‌از خانه خارج شد. او گفت که با این پسر می‌رود تا عتیقه‌ای را معامله کنند. شوهرم رفت و دیگر بازنگشت تا اینکه فردای همان روز، پسر همسایه موتور شکسته و محمد را برآیدمان آورد و گفت که شوهرم پس از درگیری با یک مرد افغانی او را کشته است. او گفت که شوهرم مجبور شده فرار کند و حالا حالاها به خانه بر نمی‌گردد. ما هم از ترس اینکه محمد گیر نیفتد، حرف‌های این پسر را باور کردیم و او را به موضوع

تمامی اتهامات وارد شده میرا شده‌است.

در بخشی از حکم که بررسی ایجاد صدمه به یکی از معلولان پرداخته آمده‌است: طبق مدارک موجود و باوجود بررسی موضوع در کمیسیون تخصصی

پزشکی قانونی علت ایجاد صدمه برای فردی که دارای معلولیت بوده نامعلوم است. همچنین رای دادگاه درباره صدمات عمدی و شکنجه یکی دیگر از معلولان چنین است: درخصوص (فرد دارای معلولیت) و سایر گواهی‌های پزشکی قانونی ارایه شده توسط سازمان بهزیستی، با توجه به میزان و نوع محل صدمات، بررسی‌ها مشخص کرد که صدمات نمی‌تواند ناشی از صدمات عمدی و شکنجه و اذیت و آزار ایجاد شده‌باشد.

یکی دیگر از اتهامات این مرکز، زنجیر کردن و شکنجه و اذیت و آزار سه ت نفر از معلولان و مفقود شدن چنین صادر شده است: با توجه به بررسی‌های

حکم برائت مرکز شبانه‌روزی معلولان ذهنی آفرینش البرز

به عمل آمده و تحقیق از مادر باران شاعلر در مرکز نگهداری معلولان و همچنین بررسی فیلم مربوط به زنجیر کردن معلولان به روشنی مشخص شده است که فیلم، غرق‌وقعی و صحنه‌سازی بوده و عاری از هر گونه حقیقت است زیرا اولاً مددجویانی که از آنها فیلمبرداری شده از افرادی بی‌قرار و بیش‌فعال نیستند و به راحتی و بدون نیاز به فیکس کردن قابل کنترل هستند و همچنین زاویه و نحوه فیلمبرداری و مدت آن نیز دلالت بر ساختگی بودن آن دارد و ثانیاً مدعی شده‌اند که مغزهای آنها که اقدام به فروش زنجیر به مرکز کرده شناسایی شده است؛ این درحالی است که شناسایی یک مغز از سطح استان در میان صدها مغزه مشابه چگونه صورت پذیرفته است و خریدار زنجیر‌ها، روشنی معلوم‌نیست.

هر کس می‌تواند به نام مرکز به مغزه مراجعه و سفارش خرید داده باشد. همچنین فیلم مدارسته

دستگیری عاملان حادثه تیر اندازی در فوول

عاملان تیراندازی جمعه شب دزفول که منجر به کشته شدن دو نفر و مجروح شدن

دو نفر دیگر شد، دستگیر شدند.

سردار حسین اشتری در حاشیه اختتامیه دوره آموزشی پرسنل راهور که در مرکز آموزش وزارت علوم واقع در شهر یار برگزار شد، در پاسخ به سئوالی درباره سرانجام حادثه دزفول اظهار کرد: «همان‌طور که مطلع هستید در این حادثه افراد ناشناسی اقدام به تیراندازی به سمت مردم کردند که بلافاصله پلیس وارد عمل شده و با همکاری

حادثه

ذره بین

پایان کیف‌قاپی‌های باندسارقان



شهروند |باند ۳ نفره کیف‌قاپیان با تلاش کارآگاهان پلیس تهران دستگیر شدند.
اواخر مردادماه سال جاری، با شکایت یکی از شهروندان مبنی بر سرقت و کیف‌قاپی از او، پرونده با دستور بازپرس شعبه چهارم داسرای ناحیه ۳۴ تهران به اداره ۱۸ پلیس آگاهی تهران ارسال شد. شکای که مردی جوان است پس از حضور در اداره ۱۸، درباره نحوه سرقت به ماموران گفت: از سسر کار به خانه برمی‌گشتم، وقتی به مقابل خانه رسیدم، از ماشین پیاده شدم تا در پارکینگ را باز کنم. مشغول باز کردن در بودم که در همین زمان مرد جوانی با باز کردن در خودروام کیف دستت‌ام را که روی صندلی عقب قرار داشت سرقت کرده و سوار موتورسیکلت آبی رنگی شد که کمی جلوتر ایستاد بود و با همدستش به سرعت متواری شدند. با شکایت مرد جوان تیمی از کارآگاهان اداره هجدهم پلیس آگاهی پایتخت ماموریت پیدا کردند تا سارقان را شناسایی و دستگیر کنند. تحقیقات ابتدایی کارآگاهان حاکی از آن بود چندین پرونده سرقت به این شیوه در دیگر پایگاه‌های آگاهی باز شده است و به این ترتیب این احتمال وجود داشت که کارآگاهان با یک باند سارقان حرفه‌ای روبه‌رو است. ماموران در ادامه به تحقیق از شاکیان پرداختند و از آن‌جا که همه آنها مشخصات یکسانی از سارقان ارایه کرده بودند، این فرضیه که سرقت‌ها توسط یک باند انجام می‌شود، قوت گرفت. تحقیقات برای شناسایی سارقان ادامه داشت و کارآگاهان با حضور در محل‌های جرم و بررسی دوربین‌های مداربسته به تصاویری دست پیدا کردند که نشان می‌داد در زمان سرقت دو مرد جوان سوار یک موتورسیکلت آبی رنگ در حال گشت‌زنی در منطقه هستند و با نشان کردن خودرویی در یک اقدام سریع کیف صاحب خودرو را سرقت کردند و از محل متواری شدند. ماموران در بازبینی تصاویر ضبط شده موفق به شناسایی سارقانی از متهمان سابقه‌دار در زمینه سرقت و فروش موادمخدر بودند شدند. آنها که محمد، مسعود و محمد نام دارند پیش از این به جرم سرقت و حمل و نگهداری موادمخدر دستگیر شده و به زندان افتاده بودند. با شناسایی سارقان، کارآگاهان را درزنی محل زندگی متهمان در شرق استان تهران صبح روز هفتم مهرماه در یک عملیات هماهنگ سه موتورسیکله متهمان را و دستگیر کردند. متهمان پس از دستگیری در بازجویی‌ها به ده‌ها سرقت و کیف‌قاپی در محدوده شمال تهران اعتراف کردند. اعضای این باند با شناسایی خودروهای مدل بالا، آنها را تعقیب می‌کردند و در فرصتی مناسب کیف مالباختگان را از داخل ماشین سرقت کرده و متواری می‌شدند. با توجه به اعتراضات اعضای این باند بازپرس پرونده با تقاضای انتشار عکس بدون پوشش چهره متهمان از کسانی که در مدام این باند گرفتار شدند خواست برای طرح شکایت به اداره ۱۸ پلیس آگاهی واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند یا با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۵۱۸ تماس گیرند.

پیگیری

کشته‌های تصادف

جاده قدیم قم–تهران ۲۳نفر شدند

با مرگ ۳نفر از ۱۰ مصدوم تصادف جاده قدیم قم–تهران، تعداد کشته‌شدگان این حادثه به ۲۳ نفر رسید. در اثر برخورد یک مینی‌بوس با یک کامیون و یک خودرو پیکان سواری که در کیلومتر ۲۰ جاده قدیم قم–تهران رخ داد، تعداد کشته‌های این سانحه دلخراش به ۲۳ نفر رسید که از این تعداد ۱۲ نفر کارگر افغانی هستند.

این تصادف دلخراش که ساعت ۱۰:۱۶ یکشنبه ۲۶ مهرماه ۹۴ رخ داد، ۱۸سرنشین مینی‌بوس که کارگر افغانسی بودند به اضافه راننده مینی‌بوس و راننده کامیون در همان لحظه تصادف جان باختند و ۱۰ مصدوم حادثه نیز به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی منتقل شدند که طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی هلال احمر، ۳تن از این ۱۰نفر مصدوم نیز جان خود را از دست داده‌اند.

سرهنگ سعیدی رئیس پلیس راه کشور به خبرنگاران گفت: علت وقوع این حادثه انحراف به چپ راننده کامیون و برخورد با مینی‌بوس حامل کارگران بوده که یک خودرو پیکان سواری نیز که در مجاورت این کامیون بود، به این تصادف اضافه می‌شود.

واحد‌های امدادی پس از وقوع این حادثه به سرعت خود را به محل حادثه رسانده و محور قدیم قم-تهران نیز برای ساعاتی مسدود بود تا این که پاکسازی به صورت کامل صورت گرفت.